

دستی برای خلق یک شاهکار؛

هنر استادان ایرانی چیره دست انچنان جذاب و دلبراست که آوازه آن در فرا سوی مرزها غوغا می‌کند، تا به حال پیش آمده به یک اثر هنری نگاه کنید و با دیدن این همه زیبایی از خود پرسیده اید خالق این اثر چه شرایطی دارد یا تنها به لذت بردن از آن بسنده کرده اید؟

این سوالی است که در پس پرده آن رازهای بسیار پنهان است، باور می‌کنید یک تابلو معرق که نگاه همه را به خود می‌خواند کار یک معلول باشد و تنها یک دست خالق آن شاهکار است! درست حدس زدید به سراغ یک توان یاب رفتیم که مرحله توان یافتن را پشت سر گذاشته و حالا پرتوان مشغول فعالیت است. ایوب جمالزهی جوان نهبندانی خوش ذوق ۳۴ ساله توانسته است با محدودیت جسمی اش کنار آید و با یک دست، آثار هنری جذابی در رشته معرق خلق کند.



هنرمند خوش ذوق نهبندانی که توانسته با معلولیت خود، نمی‌توان گفت معلولیت بلکه باید گفت محدودیت جسمی خود ۱۳۰ اثر هنری در زمینه معرق کاری خلق نماید برای ما از زندگی و چگونگی موفقیتش می‌گوید: کار معرق را از سال ۷۹ در هنرستان شروع کردم و تاکنون توانسته ام ۱۳۰ اثر هنری پدید آورم. زیاد از مشکلاتش نمی‌گوید و معتقد است در زندگی هر فرد مشکلاتی وجود دارد، مهم این است که فرد بتواند با مشکلات دست و پنجه نرم کند، چون فرار کردن از تنگناهای زندگی پاک کردن صورت مسئله است.

او معتقد است باید فرزند هنر بود نه پدر!!

وی درباره چگونگی ورود به این رشته می‌گوید: رشته تحصیلی هنرستانم معرق کاری بود. از ابتدا آشنایی کاملی با این رشته نداشتم، کم‌کم به آن علاقه مند شدم و برای یادگیری این رشته بسیار تلاش کردم. اوایل کار از پدر، مادر و حتی پاهایم برای ایجاد یک تابلو کمک می‌گرفتم و استادم کیخازاده در یادگیری این هنر تاثیرگذار بود، تا امروز که به این باور رسیدم من هم می‌توانم و این حرفه را دنبال کردم.

«جمالزهی» ۱۳ سال است که به این حرفه مشغول است و از این طریق معاش همسر و ۲ فرزندش را تامین می‌کند. تاکنون یک نمایشگاه خصوصی در کانون شهید بهشتی زاهدان برپا و طی ۳ سال متوالی در ۳ نمایشگاه در مرکز استان هم شرکت کرده است.

این هنرمند ۲ تابلوی خود را که تصویر نقشه ایران و تابلوی آیه‌الکرسی است، برجسته ترین آثارش می‌داند که این تابلوها را به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان بهزیستی اهدا کرده است.

او هر چند از مدیر اداره بهزیستی نهبندان برای رفع مشکل مسکنش تشکر می‌کند اما می‌گوید: با اشتغال در این رشته هنری امرار معاش می‌کنم و مبلغ ناچیزی که اداره بهزیستی به صورت ماهانه به من می‌پردازد حتی گوشه کوچکی از مشکلات مرا رفع نمی‌کند.

این هنرمند از مسئولان به دلیل بی‌توجهی به افرادی مثل خود گله مند است چون از نظر او معلولیت، محدودیت نیست و گاهی یک معلول هم می‌تواند با یاری خداوند و اراده خویش کاری کند که همگان حیرت زده شوند و نه تنها برای خود، بلکه برای دیگران هم مفید باشد. بی‌توجهی مسئولان، نبود یک کارگاه کوچک معرق کاری و نقدینگی برای خرید لوازم، ابزارآلات و مواد اولیه معرق کاری، از عمده مشکلاتی است که «جمالزهی» به آن اشاره می‌کند.

به گفته او، در این منطقه به هنر معرق بهایی داده نمی‌شود به طوری که در بسیاری مواقع مجبور است نتیجه دسترنج چند ماهه اش را با قیمت کمی بفروشد به همین دلیل از مسئولان می‌خواهد با توجه بیشتر به افرادی نظیر او، نگذارند حاصل چند ساله فعالیت آنان به آسانی تضییع شود. حرف آخرش هم این است که:

«فرزند هنر باش نه فرزند پدر، فرزند هنر زنده کند نام پدر»